

دانشگاه‌ها و سازمان‌های تحقیقاتی تامین مالی شده از طرف دولت و بازار به شمار می‌روند. همکاری‌های تحقیقاتی مشترک دانشگاه-صنعت وسیله‌ای مناسب برای بهبود انتقال فناوری و تجاری‌سازی تحقیقات به شمار می‌رود. تحقیقات مشترک بین شرکت‌های بازرگانی مختلف و دانشگاه‌ها مبنای استفاده بهتر از ظرفیت‌های تحقیقی موجود از طریق منابع مشترک، سرعت بخشیدن به انتقال فناوری بین دانشگاه و صنعت و ایجاد هم‌افزایی بالاتر است. فعالیت‌های تحقیق و توسعه مشترک بنگاه و دانشگاه‌ها می‌تواند از طریق پیمان‌های استراتژیک، کنسرسیوم تحقیقاتی یا اتحادیه‌های صنعتی انجام گیرد. بسیاری از این موارد در ایران وجود ندارد.

اما آنچه در ایران مانع ارتباط صنعت و دانشگاه شده است دولتی بودن اقتصاد ایران است، که باعث پایین بودن بهره‌وری، کیفیت پایین صنعت ما شده است. در کنار این عامل، مقیاس کوچک بنگاه‌های صنعتی بخش خصوصی باعث شده است سطح فناوری و کاربرد دانش جدید در طرف تقاضای تحقیقات پایین باشد و این عامل را اگر در کنار نگاه به بیرون کشور دانشگاه‌های ایران (عرضه کنندگان خدمات) برای نوشتن مقاله‌های خارجی به عنوان بازاری‌ترین محصول قابل تولید توسط نخبگان دانشگاهی قرار دهیم باعث می‌شود خدمات ارائه شده توسط دانشگاهیان با مشکلات صنعت فاصله زیادی داشته باشد این عامل مانع ارتباط خوب بخش صنعت با نخبگان دانشگاهی شده است لازم به ذکر است که شکلیابی تاریخی صنعت ما نیز کم است از این رو ارتباط‌های جست‌گریخته صنعت و دانشگاه نیز به فرجام مناسبی نمی‌رسد.

در بعد مشاوره‌های فنی و تخصصی نیز به دلیل عدم وجود بازار ساختار یافته‌ای برای این مهم و عدم انسجام ساختار عرضه و تقاضا عملاً بین تقاضا کنندگان این خدمات و عرضه کنندگان این خدمات کانال ارتباطی مناسبی وجود ندارد و قیمت‌گذاری نامناسب این خدمات به عنوان راهنمایی سرمایه‌گذاری در خدمات مشاوره‌ای نیز علایم درستی را به این بازار ناکارار ارائه نمی‌دهد. همه این عوامل مانع ارتباط مناسب بین صنعت و نخبگان دانشگاهی شده است.

سینا خسروی: حضور نخبگان در صنعت قطعاً

می‌تواند یکی از مولفه‌های توسعه باشد. اما منظور من توسعه به معنای مفهومی کلمه است. یعنی رشد همه جانبه. صنعت یکی از اهرم‌های توسعه است، درست. اما من می‌خواهم بگویم که دانشگاه از تمامی حوزه‌ها خودش را دور نگه داشته، با به طریقی دور نگه داشته شده است. می‌خواهم این سوال را مطرح کنم که بالاخره چه زمانی باید از دستاوردهای علمی نخبگان و صاحبان فکر استفاده شود؟ زمانی که تنظیم بازار در حوزه وزارت بازرگانی مدیریت می‌شد و بنده مسئولیتی در این زمینه داشتم، پیشنهادی دادم به وزارتخانه مبنی بر اینکه یک عضو هیات علمی اقتصاد به عنوان صاحب نظر اقتصادی در جلسات تنظیم بازار حضور داشته و حق رای هم داشته باشد که این پیشنهاد پذیرفته و به سراسر کشور ابلاغ شد که خود شما آقای دکتر صادقی مدتی نماینده بخش اقتصاد بودید، قبول دارید که در این جلسات هم علم شما به کار بقیه می‌آمد و هم رخدادهای ملموس و عینی بازار به کار شما. الان در این جمع آقای دکتر بهمنی یک دهه است که در این زمینه موثرتر حاضر شده‌اند و مدیریت بورس را بر عهده داشته‌اند. دکتر اکبری فرد هم در حوزه اجراء فعالیت‌هایی داشته‌اند، معاون دانشگاه بوده‌اند و تمایل به حضور در بخش‌های اجرایی را نشان داده‌اند. قبلاً مرحوم دکتر شریفی هم خوب و موثر در این مقوله حضور داشتند. مدیرکل بازرسی و نظارت استان بودند، معاون سازمان بازرگانی استان تهران بودند و... ببینید یک وقت هست مسئولان اجرایی تمایلی به استفاده از نخبگان اقتصادی در حوزه اجرا ندارند، یک زمانی هم هست که خود نخبگان از این امر آگاه دارند. من می‌گویم اگر اطراف استاندار، نخبگان اقتصادی باشند بهتر است یا مثلاً یک متخصص فنی و مهندسی؟ تجربه رییس جمهور و نه‌اوندیان و نوبخت را روی همین مساله در بخش اول مثال زدم.

مجتبی بهمنی: کم کاری از هر دو طرف بوده است. حرف جالبی دکتر صادقی زد. وقتی می‌گویند تقاضا کنندگان این خدمات و عرضه کنندگان این خدمات کانال ارتباطی مناسبی وجود ندارد، من این نکته را کاملاً قبول دارم. مورد بازاربان که مثال زدید، اگر به استفاده از خدمات مشاوره‌ای و فکری متخصصان به‌ویژه

اقتصاددانان باور ندارند به ساز و کار بازاری بر می‌گردد که در کشور ما به طور تاریخی بر پایه مبنای قدرت شکل گرفته و مسیر خود را از طریق حفظ این رابطه طی کرده است. به همین خاطر شاهد پویایی در بازار نیستیم. اتفاقاً قیمت‌گذاری هم با استفاده از قدرت بوده است.

زین العابدین صادقی: و همچنین قیمت‌گذاری نامناسبی که برای این خدمات انجام شده.

مجتبی بهمنی: بله، قیمت‌گذاری نامناسب در طول زمان بدنه دانشگاهی را دلسرد کرده است. امروز خوشبختانه ما شاهد حضور آقای رزم حسینی در راس هرم اجرایی استان هستیم که یک شخص اقتصادی است. ایشان قطعاً می‌توانند بستری را فراهم کنند که آن دسته از صاحبان فکری که در اثر رویه‌های قانون‌گریزانه، علم‌گریزانه و برنامه‌گریزانه در سنوات قبلی، یا به قول دکتر صادقی عدم ارزش‌گذاری واقعی خدمت ایشان، انگیزه خود را برای مشارکت فعال در سرنویشت کشور از دست داده‌اند، بتوانند اعتماد کنند و به کمک دولت بیایند. تا از این طریق بنیه فکری دولت برای اتخاذ تدابیر لازم برای برون رفت از شرایط پیچیده کنونی، افزایش یابد. بیاییم بپذیریم که تمامی مسائل اقتصادی و مشکلات کنونی ایران منحصرأ توسط قوه مجریه ایجاد نشده که منحصرأ توسط این قوه قرار باشد حل و فصل گردد. این یک خطای راهبردی بزرگ است. دولت باید با تکیه بر توان نخبگان و کارشناسان و به استناد تحلیل‌های کارشناسی اصولی نشان بدهد که تخریب‌های گسترده و فساد بی‌سابقه‌ای که در چندسال اخیر به اقتصاد و جامعه ایران تحمیل شده، یک پدیده سیستمی بود. همانطور که در ابتدا فرمودید توسعه برنامه از پیش تعیین و تدوین شده نیست و نسخه ثابتی برای تمام زمان‌ها و همه کشورها با ویژگی‌های متفاوت فرهنگی و اجتماعی تنظیم نشده که با اجرای آن به توسعه رسید. برنامه مناسب توسعه توسط کسانی تنظیم می‌شود که با ادبیات اقتصاد و توسعه آشنایی داشته باشند و بتوانند ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی جامعه را درک کنند. بنابراین برای اصلاح و بهبود نیز به یک حمایت سیستمی نیاز است و قوه مجریه به تنهایی قادر به حل این مشکل نیست. به نظر

متاسفانه این دیدگاه شکل گرفته که اساتید دانشگاه آدم‌های تئوریک هستند و اجرایی نیستند. خیلی‌ها هم به آن دامن می‌زنند. این دیدگاه از کجا نشات می‌گیرد؟ تجربه ناموفق ایشان در حوزه اجرا کدام بوده است؟

من آقای رزم حسینی در استان می‌توانند با تکیه بر نظرات کارشناسان اقتصادی که البته خودشان هم در زمره همین کارشناسان قرار دارند، به ارائه یک تصویر شفاف از آنچه که از قبل تحویل گرفته شده اقدام نمایند. شاید بر آورد کارشناسی بسیاری از اقتصاددانان بر این باشد که تا ۲۰ سال آینده همه دولت‌های بعدی نیز گروهان اقدامات ضد توسعه‌ای قبلی هستند. اما چون این گزارش‌ها تا به حال به شکل عالمانه و مبتنی بر برنامه عرضه نشده، تردید نکنید که دولت تدبیر به زودی باید پاسخگوی چیزهایی باشد که در شکل‌گیری آنها اصلاً نقشی نداشته است. اینجاست که نقش بدنه کارشناسی تحلیل‌گر بیش از پیش معلوم می‌شود.

حسین اکبری فرد: من با حاصل صحبت‌های دوستان موافقم. آقای دکتر بهمنی از نقش بدنه کارشناسی تحلیل‌گر گفتند. ببینید دقیقاً درست است. فرض را بر این بگذاریم که اساتید اقتصادی دانشگاه آدم‌های صرفاً تئوریک و غیراجرایی هستند - که البته من با این فرض اصلاً موافق نیستم - این آدم‌های تئوریک برای تحلیل مورد نظر دکتر بهمنی به شدت مناسبند. آقای خسروی در مورد من گفتند که من تمایل خود را به حضور در حوزه اجرا نشان داده‌ام، بله بنده به عنوان یک مدرس که بیش از ۲۰ سال به تدریس دروس مختلف اقتصادی مشغولم و در یکی از بهترین دانشگاه‌های ایران با بهترین اساتید اقتصاد مدرک دکتری گرفته‌ام این توان را در خودم می‌بینم که آموخته‌های خود را در حوزه‌های مختلف اجرایی به کار ببندم. دکتر بهمنی می‌گویند یک تیم کارشناسی که مورد وثوق مردم است باید بیاید مشکلات به ارث رسیده به دولت دکتر روحانی را با ادله مشخص بازگو کند، این درست، اما مسئله بسیار مهم بعدی این است که بعد از این که توصیف دقیق و عالمانه‌ای از آنچه که تحویل گرفته شده، ارائه گردید، باز هم دولت باید اقدام به ارائه یک تحلیل عالمانه از چرایی و چگونگی شکل‌گیری این شرایط ارائه بدهد و سپس راهکار کارشناسی ارائه کند. این‌ها وظیفه نخبگان فکری است که به قول آقای خسروی به عنوان سومین و مهم‌ترین حلقه اتصال در فرایند توسعه به ویژه در کرمان به سایر مولفه‌ها وصل نشده‌اند.

